

چیرگی بدون جدال

چگونه توانایی‌های خود را در موسیقی شکوفا کنیم

کتی ورنر

امیر شهابی

نقشه

۱۴۰۰

سرشناسه	ورنر، کنی، ۱۹۵۱ — م. Werner, Kenny, 1951
عنوان و نام پدیدآور	چیرگی بدون جدال: چگونه توانایی‌های خود را در موسیقی شکوفا کنیم؟/ کنی ورنر؛ [ترجمه] امیر شهابی.
مشخصات نشر	تهران: نقش جهان مهر، ۱۴۰۰.
شابک	978-964-6688-93-3
مشخصات ظاهری	۲۴۰ ص.
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا	
یادداشت	عنوان اصلی: Effortless mastery
یادداشت	کتابنامه.
عنوان دیگر	چگونه توانایی‌های خود را در موسیقی شکوفا کنیم؟
موضوع	موسیقی — آموزش Music — Instruction and study
شناسه افزوده	شهابی، امیر، ۱۳۶۲ — ، مترجم.
رده‌بندی کنگره	MT۱
رده‌بندی دیویی	۷۸۰/۷
شماره کتابشناسی ملی	۸۵۶۳۶۴۷

www.ketab.ir

نقش جهان

کنی ورنر

چیرگی بدون جدال

چگونه توانایی‌های خود را در موسیقی شکوفا کنیم

مترجم: امیر شهابی

چاپ اول: ۱۴۰۰

شمارگان: ۷۷۰ نسخه

کلیه حقوق چاپ محفوظ و متعلق است به:

انتشارات نقش جهان

تهران، میدان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان وحیدنظری، کوچه جاوید یک، پلاک ۱

تلفن و نمابر: ۶۶۴۱۱۹۸۶-۶۶۴۷۵۴۴۷-۶۶۴۷۵۴۴۸-۶۶۴۶۰۳۸۸-۶۶۴۶۰۳۸۸

شابک: ۹۳-۳-۶۶۸۸-۹۶۴-۹۷۸

این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است

جهت دریافت نسخه صوتی تمرین‌های کتاب به آدرس اینترنتی زیر مراجعه فرمایید:

t.me/kharazmipublication

فهرست

پیش‌گفتار مترجم.....	۵
پیش‌گفتار نویسنده.....	۱۱
فصل اول: مقدمه.....	۱۷
فصل دوم: حکایت من.....	۱۹
فصل سوم: چرا ساز می‌نوازیم؟.....	۳۶
فصل چهارم: فراتر از اهداف محدود.....	۴۹
فصل پنجم: اجرای مبتنی بر ترس.....	۶۷
فصل ششم: تمرین مبتنی بر ترس.....	۷۶
فصل هفتم: اختلالات آموزشی: آموزش مبتنی بر ترس.....	۸۲
فصل هشتم: اختلالات شنیداری: گوش دادن مبتنی بر ترس.....	۸۵
فصل نهم: آهنگسازی مبتنی بر ترس.....	۹۰
فصل دهم: فضا.....	۹۴
فصل یازدهم: هیچ نت اشتباهی وجود ندارد.....	۱۰۶
فصل دوازدهم: مراقبه‌ی یک.....	۱۱۴
فصل سیزدهم: استادی بی‌دردسر.....	۱۲۰
فصل چهاردهم: مراقبه‌ی دو.....	۱۴۵
فصل پانزدهم: تأییدیه‌ها.....	۱۵۰
فصل شانزدهم: مراحل برای تغییر.....	۱۵۷

۱۶۱	فصل هفدهم: مرحله‌ی اول
۱۷۲	فصل هجدهم: مرحله‌ی دوم
۱۷۹	فصل نوزدهم: مرحله‌ی سوم
۱۸۸	فصل بیستم: مرحله‌ی چهارم
۲۰۴	فصل بیست و یکم: مؤخره
۲۱۲	فصل بیست و دوم: مراقبه‌ی سه
۲۱۷	فصل بیست و سوم: بسط دادن فرم
۲۲۲	فصل بیست و چهارم: معنویت (تکرار)
۲۲۸	فصل بیست و پنجم: مراقبه‌ی چهار
۲۳۰	پیوست یک: چگونه از لوح فشرده استفاده کنیم
۲۳۲	پیوست دو: منتخب آثار صوتی نویسنده
۲۳۵	پیوست سه: فهرستی از هنرمندان نوآور موسیقی جز
۲۳۸	پیوست چهار: سپاسگزاری‌های نویسنده

پیش‌گفتار مترجم

همواره طی دوران تحصیل و پس از آن، سال‌های تدریس در دانشگاه، شاهد موضوعی تأمل‌برانگیز میان دانشجویان بودم. این‌که چرا اغلب ایشان (صرف‌نظر از این‌که دانشجوی رشته‌ی آهنگسازی یا نوازندگی باشند) بعد از گذراندن واحدهای مختلف و کسب دانش در مانی علم موسیقی، به هنگام عمل، دچار سختی می‌شوند. چرا پس از آموختن قواعد آهنگسازی، زمانی که می‌خواهند قطعه‌ای بنویسند، برای‌شان دشواری وجود دارد؟ چرا پس از تمرینات فشرده و زحمت فراوان، زمان اجرا نگرانند؟ چطور هنرمندی که سال‌ها با موسیقی وقت گذرانده و معاشرت کرده، ترس نواختن نت‌های اشتباه را دارد؟ چرا شیرینی اولین تجربه‌ی ما در برخورد با یک ساز پس از شروع یادگیری علمی دیگر تکرار نمی‌شود؟ بارها دیده‌ام که بسیاری هنرجویان در مراحل آموزش، خود را بی‌استعداد می‌پندارند و همین عاملی می‌شود تا لذت نواختن ساز را از خویش دریغ کنند. حقیقتاً استعداد چه جایگاهی در هنر، مخصوصاً موسیقی، دارد؟ کتب بسیاری در ارتباط با مسائل تکنیکی و فنی نوشته و ترجمه شده‌اند اما در خصوص سوژه‌ی مورد بحث در این کتاب، کمتر مرجعی به زبان فارسی دیده‌ام. به‌دفعات شنیده‌ایم که استاد یا مدرس از هنرجو می‌خواهد موقع اجرا آزاد باشد و طوری بنوازد که اول خودش از صوت ایجادشده لذت ببرد. اما متأسفانه این حس آزادی را خود مجری احساس نمی‌کند یا، حتی بدتر آن‌که، او برای

داشتن احساس آرامش به تکاپو می‌افتد که همین تلاش باعث تحمیل باری مضاعف بر کوشش‌های قبلی اوست. چه بسا معلمانی که خود در چنین دام‌هایی به تله افتاده‌اند و صد البته این پیش‌گفتار مجالی برای تشریح این مشکل را در خود نمی‌بیند.

در توضیح ترجمه‌ای که برای عنوان کتاب انتخاب کردم باید اشاره کنم شاید در نخستین برخورد با نام انگلیسی، این تصور به ذهن متبادر شود که مطالب پیرامون روش‌های میانگذر فنی برای رسیدن به مقام استادی آورده شده، اما با واکاوی بیشتر و نگاهی عمیق‌تر متوجه خواهید شد که مقصود فراتر از چنین مواردی است. در اینجا، استادی یا تسلط به معنی پرداختن محض به شیوه‌های ساخت یا اجرا نیست؛ نگارنده ابتدا علت وجود تشویش در ذهن هنرمندان را به خود ایشان نسبت می‌دهد. صرفاً نه به دلیل ضعف مهارت یا دانش، بلکه به علت جدال پنهان‌شان با درون خود. درون انسان، برای پیشگیری از شکست‌های احتمالی و بستن مسیر بی‌راهه‌ها، فرمان هدایت را به دست می‌گیرد و با آوردن دلایلی ما را از تجربه‌ی برخی رویدادهای شیرین محروم می‌کند. از این جهت چیرگی را مناسب دیدم، زیرا نشان‌دهنده‌ی مقابله‌ی هنرمند با منیت و براهین سطحی است. باید دقت داشت، مادامی که در بند خودآگاه و ناخودآگاه قضاوت‌کننده هستیم، مجالی برای ارتقا به دست نمی‌آید. همچنین، داوری که از آن صحبت می‌شود پایه‌های قابل اطمینانی همچون عدالت، رحم و شفقت ندارد و بیشتر با نگاهی منفی، بر اساس مفروضات و آموخته‌ها و تصورات غلط شخصی خودمان، دادرسی می‌کند.

تصورات حاکم، که بر پایه‌ی خواسته‌های شونده استوار شده‌اند، پیش از تلاش برای ساخت ایده‌هایی بکر، در پی ساختن ویتروینی زیبا برای مخاطبیند و در تلاشند تا او را متقاعد کنند که اثر ارائه‌شده درخور توجه و ستایش است. همین تفکر خود به عنوان عاملی بازدارنده عمل می‌کند، زیرا بر پایه‌ی نظام‌های قبلی که ذهن‌مان را برنامه‌ریزی کرده‌اند، خوب به نظر آمدن و ارزشمند بودن

یک محصول هنری متکی به نظر افرادی دیگر است. از این‌رو، پیش از اجرا نگرانیم که مبدا از قالب مورد تأیید دیگران تخطی کنیم. برای رهایی از این فشار لازم است که ابتدا با برنامه‌زدایی و سپس در طول زمان به کمک روش‌هایی هدفمند، چنین محدودیت‌های موجود، اما ناپیدایی را بازبرنامه‌ریزی کنیم. پرواز از آشیانه‌ی قضاوت‌ها در صورتی امکان‌پذیر است که از تکرار اشتباهات نابخشودنی دست برداریم و با نگاهی به پنجره‌ی حقیقت، عظمتی را که از آن غافل هستیم بنگریم.

در روند تشریح مباحث، از بسیاری هنرمندان معروف نام برده می‌شود. در جایگاه معلمی دلسوز به خوانندگان توصیه می‌کنم بی‌اعتنا از آن‌ها عبور نکنید. به مدد سهولت در ارتباطات و دستیابی به اطلاعات، این جست‌وجو به دشواری‌های معمول امر تحقیق نیاز ندارد و مطمئناً بررسی بیشتر زندگی‌نامه‌ی آنان می‌تواند شما را با شیوه‌های اندیشه و زیستن آن‌ها آشنا کند. تأثیرپذیری و تأثیرگذاری هنرمندان بر جامعه و رویکرد آن‌ها در مواجهه با بازخورد مردم از شنیدن آثارشان، جزء مواردی است که مطالعه‌ی بیشتری می‌طلبد. جدا از تحقیق در خصوص سیاق زندگی افراد گفته‌شده، شنیدن آثار ذکر شده در این کتاب نیز به علاقه‌مندان پیشنهاد می‌شود. فارغ از تعمق آکادمیک، شاید در مقام هنردوست به نکاتی برخورد کنید که نقطه‌ای برای کشیدن خطی جدید، در صفحه‌ی هنر باشد. موضوعات مورد بحث صرفاً به جریان یا دوره‌ای خاص از موسیقی نمی‌پردازد. نمونه‌های مذکور از موسیقی کلاسیک اروپا تا موسیقی جَز ایالات متحده را شامل می‌شود و بیشتر تأکید بر سازمایه در هر نوع از موسیقی است. سازمایه‌ها، به عنوان خشت‌های ابتدایی، برای زیربنایی قوی معرفی می‌شوند و با دقت نظر هنرمند روی آن‌ها امکان ترقی به بالاترین رده‌های هنری را می‌توان متصور بود.

نویسنده، موارد را با تجربیات خویش پیوند می‌زند و این باعث برقراری نوعی همزادپنداری میان او و مخاطب می‌گردد. زیرا بسیاری اتفاقات مورد بحث

میان اهالی موسیقی مشترک است و مخاطب دغدغه‌مند را بیش از پیش با اثر همراه می‌کند. نکته‌ی قابل توجه دیگر، ارجاعات نویسنده و احتمالاً علاقه‌ی شخصی او به مکاتب مشرق‌زمین است که هم مستقیم و هم غیرمستقیم با ذکر نکاتی از آن‌ها یاد می‌کند. آوردن مصادیقی از ذن تا مولانا و ذکر نمونه‌هایی از لزوم تمرکز در ورزش‌های رزمی تا اسلوب تیراندازی به شیوه‌ی شرقی، همگی نشان از تأثیرگذاری فرهنگ شرق بر غرب در موارد طرح‌شده دارد و بدون شک، خواننده‌ی مسلط به زبان فارسی با چنین آموزه‌هایی در آثار ادبی از گذشته آشناست.

در مسیر بیان مطالب به‌دفعات بر لزوم تمرکز اصرار می‌شود. در تکمیل این مسئله، بر خود واجب می‌بینم تا ضرورت توجه به سکوت را نیز یادآور شوم؛ سکوتی که هم‌پایه‌ی صوت در موسیقی برای آن ارزش قائلیم. در نت‌نویسی آن را روی کاغذ می‌آوریم و در اجرا آن را می‌شماریم. مناسب می‌دانم هنرجویان سطح مقدماتی را به شنیدن اثر «چهار دقیقه و سی و سه ثانیه» از جان کیج^۱ دعوت کنم. او در این قطعه از مخاطب خود تقاضای ذهنی باز و گوش‌ی نکته‌سنج دارد تا در سکوت ظاهری، اصوات غیرعمد و محیطی را با ادراکی ژرف بشنود. در این اثر، مجری نیز به همراه حضار، میزبان شنیدن اصواتی است که همزمان با قرار گرفتن نوازنده، آن هم بدون هیچ حرکتی در پشت ساز، از پیرامون، به گوش می‌رسد. به یاد داشته باشیم در موسیقی، چالش پیش روی ما تنها درک و پیدا کردن اصوات نیست، بلکه توجه به سکوت نیز همان اندازه اهمیت دارد. تبیین جایگاه سکوت، به عنوان یک عنصر معلوم و مؤثر در اثر هنری، قابل تأمل است. به بیان دیگر، هنرمند سکوت را برمی‌گزیند و تأویل و تفسیر قطعه را از طریق دوگانگی میان صوت و سکوت میسر می‌سازد. فضای تهی در معماری و خلوت خیال در عرفان از آشکارترین ویژگی‌های جهان هنر

مشرق‌زمین است که خاور دور را به خاورمیانه مرتبط می‌کند. استفاده از فضای خالی، از سوی هنرمندان و موسیقی‌دانان شرقی، پیاده‌سازی عرصه‌ای را فراهم می‌آورد که در غیاب جسمانیت به درون‌بینی منتج می‌شود. با درنگی کوتاه، خود درمی‌یابید که توجه ویژه به سکوت، سبب ورود آسان شما به فضایی ناب، به منظور ساخت و اجرا در موسیقی، خواهد شد.

برخلاف بسیاری کتب تخصصی که پیش‌نیازهایی را برای خواننده متصورند، کتاب حاضر ظرفیت استفاده در سطوح مختلف — از دوست‌داران موسیقی که در پی انتخاب ساز هستند تا اساتیدی که سال‌ها در مقام نوازنده، آهنگساز یا مدرس در این رشته فعالیت می‌کنند — را داراست. موارد توضیحی برای علاقه‌مندان به هنر در سایر شاخه‌ها نیز می‌تواند مفید باشد. مخصوصاً تمرینات ارائه‌شده برای نگاه به باطن، امکان شناخت درونی را فراهم می‌سازد و ارزش امنیت و آرامش در همنشینی با خود را بیش از گذشته بر ما روشن می‌کند، که این موضوع بسیار ظرفیت‌ساز است. تمرین تسلط مد نظر برای همه‌ی افراد در سنین مختلف و با نگاه خاص در موسیقی، برای تمام سبک‌ها و سازها قابل دستیابی است.

در برگردان فارسی کوشیده‌ام تا حد ممکن به متن وفادار باشم و مناسب‌ترین واژگان و جمله‌بندی را برگزینم. با وجود آن‌که در ترجمه و تدوین کتاب پیش رو تلاش فراوانی شده، امیدوارم همچنان از اظهار لطف و نظر خوانندگان و علاقه‌مندان به موضوعات مطروحه برخوردار باشم تا در چاپ‌های آینده نقایص برطرف شوند. شما می‌توانید از طریق نشانی info@amir-shahabi.com مطالب و نکات مد نظر خود را برای این‌جانب ارسال کنید. در اینجا لازم است از مسئولان انتشارات نقش جهان که دلسوزانه در چاپ این کتاب اهتمام ورزیدند و همچنین از همه‌ی دوستان و عزیزانی که در ترجمه‌ی کتاب حاضر یاری‌رسان

من بودند، به‌ویژه آقای کنی ورنر^۱ سپاسگزاری کنم. کتاب چیرگی بدون جدال هدیه‌ای است پربار، برای آنانی که بخواهند زیبایی موسیقی را در جان خویش بجویند.

امیر شهابی

مرداد ۱۳۹۹

www.ketab.ir